

نقل قول‌ها در جلسه‌ سی و ششم

# شرح داستان دقوقی و ابدال

ایرج شهبازی

۲۷ تیرماه ۱۴۰۲

## ابیات ۲۲۲ تا ۲۲۶: خودبزرگ‌بینی ادراکی ۸۲۵۷۱۱۸۴

رست کشتی از دم آن پهلوان      و اهل کشتی را به جهد خود گمان،  
که مگر بازوی ایشان در حذر      بر هدف انداخت تیری از هنر  
پا رهاند روبهان را در شکار      و آن ز دم دانند روبهان غرار  
(۲۲۵) عشق‌ها با دم خود بازند کاین      می‌رهاند جان ما را در کمین!  
روبها! پا را نگه دار از کلوخ!      پا چو نبود، دم چه سود؟ ای چشم‌شوخ!



دکتر علی نسیمی:

«مطالعات نشان داده که اکثر افراد فکر می‌کنند که باهوش‌تر از افراد متوسط‌اند، یا اندیشه و رفتار صحیح‌تر، معقول‌تر و متعادل‌تری دارند و یا کمتر تحت تأثیر پیش‌داوری‌اند و یا در رانندگی ماهرتر از متوسط جامعه‌اند. همچنین یک مطالعه روی یک میلیون دانش‌آموز دبیرستانی نشان داده که ۷۰ درصد آنان فکر می‌کنند از نظر توان رهبری بالاتر از متوسط جامعه‌اند و فقط ۲۰ درصد فکر می‌کردند پایین‌تر از متوسط‌اند. از نظر توانایی زندگی و کنار آمدن با دیگران، همه دانش‌آموزان فکر می‌کردند بالاتر از متوسط‌اند ... ممکن است گمان شود که اینان دانش‌آموز بوده‌اند و در دوره جوانی، اما مطالعه بر روی اساتید دانشگاه نشان داده که ۹۴ درصد آنان فکر می‌کنند در کارشان بهتر از متوسط همکارانشان هستند.»

(خطاهای ساختاری در اندیشه بشر، ص ۵۰)



ست استیونز:

«عادت دروغ گفتن به خود توضیح می‌دهد چرا افراد زیادی ادعا می‌کنند در حوزه‌های مختلف بالاتر از میانگین هستند ... بیش از ۴۰ درصد مهندسان یک شرکت گفتند در پنج درصد بالای هرم سازمانی هستند. بیش از ۹۰ درصد اساتید دانشگاه می‌گویند بیشتر از حد متوسط کار می‌کنند. یک‌چهارم دانش‌آموزان سال آخر دبیرستان فکر می‌کنند از نظر توانایی کنار آمدن با دیگران جزو آن یک درصد توانمند هستند.»

(همه دروغ می گویند، ترجمهٔ ریحانهٔ عبدی، ص ۱۱۹)



سعدی:

یکی جهود و مسلمان نزاع می کردند  
به طیره گفت مسلمان: «گر این قبالة من  
 جهود گفت: «به تورات می خورم سوگند  
 گر از بسیط زمین عقل منعدم گردد  
 چنان که خنده گرفت از حدیث ایشانم  
 درست نیست، خدایا جهود میرانم!  
 وگر خلاف کنم، همچو تو مسلمانم.  
 به خود گمان نبرد هیچ کس که نادانم.

(کلیات سعدی، چاپ استاد مظاهر مصفا، صص ۲۴۳-۲۴۲)



امیر عنصر المعالی:

«بدان ای پسر که سه چیز است از صفات مردمی که هیچ آدمی نیایی که بر خود گواهی دهد که این سه چیز  
 مرا نیست. دانا و نادان بدین سه چیز همه از خدای تعالی خوشنودند، اگرچه این سه چیز خدای تعالی کم کس را  
 داده است و هر که را این سه چیز بود، از خاصگان خدای تعالی بود. از این سه گانه یکی خرد است و دوم راستی  
 و سوم مردمی.»

(قابوس نامه، ص ۲۴۳، چاپ دکتر یوسفی)



دکارت:

«میان مردم عقل از هر چیز بهتر تقسیم شده است؛ چه هر کس بهرهٔ خود را از آن چنان تمام می داند که مردمانی  
 که در هر چیز دیگر بسیار دیرپسندند، از عقل بیش از آن که دارند، آرزو نمی کنند.»

(سیر حکمت در اروپا، صص ۱۸۲ - ۱۸۱)



مولانا:

در هر آن کاری که میلست بدان  
قدرت خود را همی بینی عیان  
واندر آن کاری که میلست نیست و خواست  
اندر آن جبری شدی، کاین از خداست!

(مثنوی، د ۱ / ۶۳۶ - ۶۳۵)



سعدی:

ای هنرها نهاده بر کف دست  
عیبها برگرفته زیر بغل  
تا چه خواهی خریدن، ای مغرور!  
روز درماندگی، به سیم دغل؟

(کلیات سعدی، چاپ استاد مظاهر مصفا، ص ۱۴۴)



آلان کار:

«یکی از واقعیت‌های مهم دربارهٔ انسان‌ها این است که بخشی از مغز آنها به طور ناآگاهانه حقایق مربوط به خودشان را تحریف می‌کند و واقعیت‌های مربوط به خودشان را انکار می‌کنند؛ بنابراین غالباً انسان‌ها اطلاعات منفی مربوط به خود را نادیده می‌گیرند و تنها به اطلاعات مثبت دربارهٔ خود فکر می‌کنند و به این ترتیب موفق می‌شوند ذهنیت خوبی نسبت به خود داشته باشند. انسان‌ها به آسانی از چیزهای منفی در مورد خودشان چشم‌پوشی می‌کنند و فقط نقاط مثبت خود را می‌بینند، ضعف‌ها و نقص‌های آشکار خود را نادیده می‌گیرند و در برابر، توانایی‌ها و هنرهای کوچک و پنهانی خود را برجسته می‌سازند. خودادراکی مثبت در اوایل زندگی شروع می‌شود. کودکان پیش دبستانی خود را شایسته و محبوب می‌بینند و گرایش به داشتن دید مثبت از خود در سرتاسر زندگی ادامه می‌یابد، هر چند که از نیرومندی آن به تدریج کاسته می‌شود.»

(روان‌شناسی مثبت، آلان کار، صص ۱۷۵ - ۱۶۱)



سعدی:

مرا شیخ دانای مرشد شهاب      دو اندرز فرمود بر روی آب  
یکی آن که در جمع بدبین مباش      دگر آنکه بر خویش خودبین مباش

(کلیات سعدی، چاپ استاد محمدعلی فروغی، ص ۷۵)



مولانا:

هر که نقص خویش را دید و شناخت      اندر استکمالِ خود دو اسبه تاخت  
ز آن نمی‌پرد به سوی ذوالجلال      کاو گمانی می‌برد خود را کمال  
علتی بتر ز پندارِ کمال      نیست اندر جان تو، ای ذو دلال!  
از دل و از دیده‌ات بس خون رود      تا ز تو این مُعْجَبی بیرون شود  
علت ابلیس «أنا خیری» بده است      وین مرض در نفس هر مخلوق هست  
گرچه خود را بس شکسته بیند او      آب صافی دان و سرگین زیر جو  
چون بشوراند تو را در امتحان      آب سرگین رنگ گردد در زمان

(مثنوی، دفتر اول، از بیت ۳۲۱۲ تا بیت ۳۲۱۸)